

باد هر جا بخواهد می وزد

حمید رضا هوشمند



و به این نتیجه برسن که نبودن ۱۳۰۰ و اندی درخت* زیبا، تنومند و سر به آسمان کشیده، از بودنش بهتره!!!؟ یعنی از ریشه کندن سپیدارها یک تصمیم جمعی بوده؟ اگر چند ثانیه دیگه به فاجعه ای که رخ داده فکر کنم، بی شک افسرده میشم! باید به یک خاطره خوب فکر کنم تا اصلاً یادم بره... که اونجا سپیداری هم کاشته شده بود! ولی نمیشه... به هرچی میخوام فکر کنم، یه سرش بر میگردد به سپیدار یادمه ۷-۶ سال داشتم که خواهرم مینو، دانشجوی دانشگاه مشهد بود و همزمان، تاریخ و زبان می خوندم، جمعه ها که با اون پیکان معروف میرفتیم مشهد، قبل از هر کاری، از تونل سبز سپیدارها عبور می کردیم و خودمونو به خوابگاه خواهرم میرسوندیم: یک ساختمون ۵-۴ طبقه خیلی بزرگ و زیبا که داخل یک محوطه با صفا واقع شده بود. دور تا دورش سرسبز بود و مثل یک پارک بسیار زیبا گلکاری و درختکاری شده بود! خواهرمو بر میداشتم و جمعه رو در کنار هم میگذاشتیم! یه دوری تو شهر میزدیم، زیارتی می کردیم، ناهار رو میرفتیم جلو کبابی پارس یا کبابی بهارستان، به فامیل و اقوام مشهدی مون یه سر میزدیم، بستنی کیم میخوردیم و از خیابون جنت لباس می خریدیم. عصر جمعه هم دوباره از تونل سبز عبور میکردیم، خواهرمو میداشتم خوابگاه و برمی گشتم نیشابور...!

صبح جمعه که میرسیدیم خوابگاه، پدرم ماشینو زیر سایه یکی از درختهای اطراف خوابگاه پارک میکرد، بلافاصله مادرم برگ براندشو که یک میان وعده خوشمزه بود، رو میکرد: یه ساندویچ پنیر به همراه یک نوع میوه (که اغلب به

به شما پیشنهاد میکنم سری به خیابون جنت آباد بنید! هم فاله، هم تماشا! شهردار خوش ذوق اون منطقه پس از قطع تمامی درخت ها، ترتیبی داده که تا ابد دیگه هیچ گیاهی (حتی علف) نتونه در هیچ جای این بلوار پهناور سر از خاک در بیاره! آب زلالی که در دو طرف خیابون چریان داشت رو هم اونقدر ماهرانه محصور کرده که عمراً کسی بتونه ازش برای آبیاری گلدون جلوی مغازه ش استفاده کنه. هزاران هزار آفرین بر این شهردار نابغه. راننده تاکسی میگفت: معلومه که خیلی وقته اینجا نیومدی! چندسالی میشه که درختها رو کنندن. همه رو از ریشه دور... آوردن تا به موقع دوباره سبز نشه! اولش ما هم ناراحت شدیم ولی بعد از یه مدت فهمیدیم بد کاری هم نکردن! فکرشون خیلی بهتر از ما کار میکنه! ناسلامتی درسشو خوندن! باید یه فرقی با من و شما داشته باشن دیگه! به اون چیزیکه ما شاید حالا حالاها هم نرسیم و عقلمون قند نده، خیلی زودتر رسیدن! خدا خیرشون بده! اینجا اصلاً آفتاب نمی تابید، یه مشت درخت قدیمی هشتاد، نود ساله که جای ماشینها رو هم تنگ کرده بودن، به چه درد میخورد؟! لاکردارها انگار تازه اول چل چلیشون بود، عینوه دختر ۱۴ ساله با طراوت و سرحال بودن... آدمیزاد هم که آدمیزاده و به اصطلاح اشرف مخلوقات، هفتاد سال عمر میکنه، کم کم میره، جاشو میده به جوون ترها، اینها که جای خود دارن! اینها باید از جویشون در صنعت نجاری کشور استفاده بشه تا اقتصاد مملکت به چرخش دربیاد.

نباید احساسی برخورد کرد! همین الان اگر درختها سر جاشون بودن، درسته که سایه قشنگی داشت، ولی در عوض ما آفتاب نداشتیم، اون همه آب حروم میشد که چی؟ که ۴ تا درخت بیعار و مفتخور آب بخورن! که چی بشه؟ اگر تا ابد سودی برای اقتصاد مملکت نداشته باشن که فقط صرف هزینه بیخوده! الان هم که دیگه مثل قدیم نیست، همه ماشینها کولر دارن با شیشه دودی، دیگه نیازی به سایه درخت نیست. ببین چقدر جلو باز شده، دیدت وسعت یافته! اصلاً انگار مشهد بزرگتر شده ماشاالله! یه باد تند هم که می یومد از ترس اینکه درختا، رومون نیفتن سکنه میکردیم. خدا خیرش بده اون که یه فکرش رسید این جا رو صفا بده! فقط خدا کنه دوباره یه آدم بی فکر و احساساتی مثل شما نیاد درخت بکاره!

نمیدونی بندگان خدا زیر آفتاب با چه زحمتی عرق میریختن و ریشه ها رو از خاک در می آوردن! ولی خب خدا رو شکر! ارزششو داشت... خیلی خیلی بهتر شده (به خاطر سخنرانی غرابی که ایراد کرده بود ازش تشکر کردم....) از ناراحتی داشت سرم می ترکیه! آخه چطور ممکنه یه نفر این کار رو بکنه! اصلاً تصمیم یک نفر بوده یا یک گروه؟ یعنی ممکنه که چند تا آدم بالغ، فکرانشون! بذارن رو هم

ادامه مطلب ضبط اسناد و مدارک... از صفحه اول

در دفترچه تبرم موجود است.»

مسئله فعالیت های حقوق بشری عبادی است

یک هفته پیش از ورود ماموران مالیاتی به دفتر و کالت خانم عبادی، ماموران امنیتی و انتظامی با ورود به دفتر کانون مدافعان حقوق بشر، درب آن را پلمب کردند. این اقدام در روزی صورت گرفت که قرار بود به مناسبت شصتمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مراسمی در دفتر کانون برگزار شود. فعالان حقوق بشر می گویند، حمله به دفتر کانون مدافعان حقوق بشر و یک هفته پس از آن، ورود به دفتر و کالت خانم عبادی و ضبط اسناد و مدارک آن، به فعالیت های حقوق بشری خانم عبادی و همکاران او در کانون مدافعان حقوق بشر بر می گردد.

روز اول اکتبر ۲۰۰۸، بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل گزارش مسوولی درباره ی وضعیت حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد. این گزارش سپس در کمیته ی سوم مجمع عمومی مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه ی این بررسی، تصویب قطعنامه ای در کمیته ی سوم و سپس در مجمع عمومی سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی بود.

دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود، به گزارش های کانون مدافعان حقوق بشر استناد کرده بود که گروهی از وکلای خوش نام و مدافع حقوق بشر عضو آن هستند و خانم شیرین عبادی نیز ریاست آن را برعهده دارد.

ماموران شامگاه روز دوشنبه ۹ دی ماه (۲۹ دسامبر) بار دیگر به دفتر خانم عبادی مراجعه و اسناد و مدارک آن را با خود بردند.

دفاع مجانی از متهمین سیاسی و عقیدتی

خبرگزاری مهر پیشتر ادعا کرده بود که شیرین عبادی "مشکل مالیاتی" دارد. خانم عبادی این ادعا را تکذیب کرد و به همین خبرگزاری گفت: «از متهمین سیاسی و عقیدتی دفاع می کنم.» شیرین عبادی به خبرنگار خبرگزاری مهر گفت: «سه نفر از ماموران سازمان مالیاتی همراه با یک نفر نماینده قوه قضائیه به دفتر کار من آمدند و اقدام به بازرسی کردند.»

وی افزود: «بیش از ۱۵ سال است که تمامی وکالت هایم را به صورت رایگان و مجانی انجام می دهم و تنها از متهمان سیاسی و عقیدتی دفاع می کنم که هیچ درآمدی نیز از این بابت ندارم.»

خانم عبادی با بیان این که «درآمد و کلا از طریق دفترچه تبرم به راحتی قابل پیگیری است» اظهار داشت: «باتوجه به این مسئله که در آراء و کالت هر پرونده ای، دفترچه تبرم ابطال و الصاق می شود، بنابراین همه مدارک در مورد رایگان بودن پرونده هایم موجود است.»

وی افزود: «هرچند بابت پرونده ها حق و کالتی دریافت نکرده ام ولی براساس قانون برای هر پرونده ای که تبرم مالیاتی الصاق کرده ام مالیات داده ام و تمام اینها

صورت شتری سرو میشد)، در یک چشم بر هم زدن، سر و ساطی برقرار میشد که نگو و نپرس! سکوت وصف ناپذیر اونجا، آنجان آرامشی به خاندان هوشمند می داد که به هیچ قیمتی حاضر به از دست دادنش نبودن. هیچکس عجله ای برای اومدن آجی مینو نداشت.

من مأمور رفتن به داخل خوابگاه و صدا زدنش بودم! بنابراین کسی نگران برگشتن من هم نبود، به خصوص پدر، که خسته رانندگی بود و ترجیح می داد بجای هر فعالیت، تا عصر، همونجا بخوابه و از هوای بهشتی اونجا استنشاق کنه! هیچکس به جز من نمی دونست که تو خوابگاه چه خبره! نگهبانی خوابگاه رو که رد می کردم و برآستان در ورودی ظاهر می شدم، شور و ولوله ای بیا می شد! شادی و سرور همه خوابگاهو فرا می گرفت، خبر ورود من مثل بمب صدا میکرد. خاندان هوشمند کجا بودن که ببینن پسرشون چه جور از این بغل به اون بغل کشیده میشه و عنقریبه که لب براش نمونه! اونها تصور میکردن که پسرشونو به یک مکان علمی فرستادن که پر از آدمهای درسخون و فرهنگیه و معاشرت با هر کدوم میتونه نقش سازنده ای در شکوفایی آینده فرزندشون داشته باشه. اونها هر هفته منو

با هزار امید و آرزو به این مکان علمی گسیل میداشتن، غافل از اینکه هیچ خبری از تحصیل علم و دانش نیست! اونجا ملو بود از دخترهایی که هر کدوم به شکل بودن، بیشترشون به نظرم خوشگل میومدن ولی هیچکدوم به درد ازدواج با من نمیخوردن، چون هیچکدومشون منو به خاطر خودم دوست نداشتن، اونها علاقه عجیبی به کشیدن لب های من و فشار دادن دندونای خودشون داشتن!

آجی مینو آخرین کسی بود که از حضور من در خوابگاه مطلع میشد! تا خودشو به من میرسوند، کار از کار گذشته بود و باید صورت کبود داداش حمیدشو تحویل میگرفت... به هر زحمتی بود خوابگاهو ترک میکردیم و می اومدیم بیرون! پایین خوابگاه همچنان آرامش برقرار بود! وقتی من و آجی مینو به ماشینمون می رسیدیم، درها باز بود و داخل ماشین، همه خاندان هوشمند، از هوش رفته و بی اراده همچنان به امر استنشاق هوای تمیز، ممارست می ورزیدند... راستی! چقدر خوبه که همیشه خاطراتی در زندگی بشر وجود داره که فکر کردن به اونها، مانع از افسردگی میشه...!

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

آبادانا
یکشنبه ۱۲ ظهر تا ۱ بعداز ظهر کانال ۲۶
۴۰۸-۷۴۱-۱۵۰۰

تهران
یکشنبه: از ساعت ۵:۳۰ تا ۶ شب روی کانال ۱۵ ساتاگلارا کاتنی
سه شنبه: از ساعت ۱۱ تا ۱۰ شب روی کانال ۲۷ در شهر پالواتنو
چهارشنبه: از ساعت ۲ بعدازظهر روی کانال ۲۷ در شهر پالواتنو
شنبه: از ساعت ۸ شب، یکشنبه از ساعت ۳ تا ۴ روی کانال ۲۷ در شهر پالواتنو
جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب روی کانال ۲۴ در شهر آلی و برانت وود
جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب روی کانال ۲۶ در شهر آنتیاک و پیتسبورگ

آموزش شعر و ادب فارسی زیر نظر نصرت الله نوح
در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار میگردد. کلاس هر هفته روزهای سه شنبه از ساعات ۷ تا ۹ شب برگزار میشود. برای ثبت نام با شماره تلفن ۹۶۸۵-۹۶۸۵ (۶۵۰) تماس بگیرید. آدرس جدید: Ortega Park
636 Harrow Way, Sunnyvale, CA 94087

کلاسهای عرفان (مولوی، حافظ)
تدریس مثنوی مولانا بلخی، معانی و بیان، بدیع و قافیه دومین و چهارمین یکشنبه هرماه ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر در کوپرتینو توسط دکتر مسیح پور، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. تلفن: ۲۹۲۲-۷۲۵ (۴۰۸)

جلسات شعر فریمانت
اولین و سومین یکشنبه های هر ماه میلادی در کتابخانه تورتون شهر نیوآرک. ۷۹۵-۲۶۲۷ (۵۱۰)
زمان: ساعت ۲ تا ۵ بعداز ظهر ورود برای عموم آزاد است

جلسات انجمن فردوسی
هر دوهفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هرماه
www.ferdosi.org 295-1240 (408)

شب بانوان
بباید با هم باشیم، دومین چهارشنبه هرماه
با صرف شام و موزیک
Ladies Night & Ladies only!
Dinner, Music, Dancing & Fun!
at Avalon Night Club, Start time: 7pm
777 Lawrence Express way, Santa Clara
Information: (408) 241-0777

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا
هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نیمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است.
برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۶۸۵-۹۹۸-۹۳۹
یا ای میل mayheravi@yahoo.com تماس بگیرید

برنامه کانون پدران و مادران شمال کالیفرنیا
گردهمایی کانون پدران و مادران در روز چهارشنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۰۸، ساعت ۵:۳۰ عصر با سخنرانی دکتر کوشیار کیهان، دندانپزشک برگزار خواهد شد. موضوع سخنرانی در مورد کاشتن دندان برای استحکام دندان های مصنوعی و درمان بیماری های لثه خواهد بود. پس از آن، موزیک ایرانی برگزار خواهد شد. بعلت محدود بودن جا، خواهشمندیم رأس ساعت در سالن حاضر باشید. محل برنامه در ساختمان Building Q80 در «کمپبل کامیونیتی سنتر».

ورود رایگان
Campbell Community Center
One West Campbell Ave.
Campbell, CA 95008

انجمن فردوسی شمال تقدیم می کند
گرامی داشت زاد روز بزرگ مرد ادب و فرهنگ ایران
حکیم ابوالقاسم فردوسی
سخنران: دکتر باقر پرهام
زمان: شنبه ۳۱ ژانویه ساعت: ۶:۳۰ الی ۱۰ عصر
1197 East Arques Ave.
Sunnyvale, CA 94085
ورودی ۱۰ دلار و یا همت عالی
Information: 408-295-1240

کلاسهای خوشنویسی
استاد امیرحسین باناک
فانرفنک هنر ایران
مدرسه کلاسهای خوشنویسی و هنر
تلفن: ۵۱۱۱-۲۰۵ (۴۰۸)
۹۳۹۸-۳۷۴ (۴۰۸)

برای درج آگهی در یلوپیج «ایرانیان شمال کالیفرنیا»
سال ۲۰۰۹
از هم اکنون اقدام کنید
۱۰۳۰-۶۱۵ (۴۰۸)